

ثبت وقایع حیاتی

دکتر حسن سرایی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

نظام آماری جمعیت در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در اصل متشکل از دو مجموعه مکمل هم است. ^۱ یک مجموعه شامل آمارهایی است که از مشاهده حتی المقدور همزمان ویژگیهای افراد جمعیت در سرشماریها و آمارگیریهای نمونه‌ای به دست می‌آید. مجموعه دیگر شامل آمارهایی است که حاصل وقوع ناهمزمان وقایع حیاتی، ثبت پیوسته این وقایع در طول زمان و تحلیل اطلاعات ثبت شده است. به تعبیر دیگر، آمارهای مجموعه اول حاصل مراجعه بالنسبه همزمان پرسشگران تعلیم دیده به افراد ذریب جمعیت و جمع آوری اطلاعات از آنهاست^۲، حال آنکه آمارهای مجموعه دوم حاصل مراجعه ناهمزمان افراد ذریب جمعیت به ادارات رسمی و دولتی برای ثبت رسمی وقوع واقعه است.^۳

کارکرد دوگانه ثبت وقایع حیاتی

انگیزه افراد مرتبط با واقعه برای ثبت وقوع آن نزد مقامات رسمی و کشوری در اصل یک

انگیزه حقوقی است. در جوامع وسیع و پیچیده مدرن و شهری که روابط بین افراد در آنها رسمی و کاری است، تشکیل اسناد رسمی راجع به وقایع بسیار مهم حیاتی هر روز بیشتر احساس می‌شود. مع‌هذا، در کنار این انگیزه حقوقی، تقاضای روزافزون فی‌المثل حوزه‌های بهداشت، پزشکی، بیمه، و جمعیت، شاید به همان اندازه برای جامعه دارای اهمیت باشد. لذا ثبت وقایع حیاتی کارکردی دوگانه دارد؛ از یک سو به نیازهای روزافزون حقوقی افراد پاسخ می‌دهد؛ از سوی دیگر، نیازهای فزاینده جامعه را به آمارهای حیاتی تأمین می‌کند. به تعبیر سازمان ملل (۱۹۵۳)، نظام ثبت حیاتی دربرگیرنده «... ثبت حقوقی، ضبط گزارش وقوع، جمع آوری، گردآوری، و عرضه و انتشار آمارهای مرتبط با وقایع حیاتی است» (لیندر، ص ۳۲۷). از این تعریف پیداست که «گزارش پیوسته و دائمی و اجباری وقوع و ویژگیهای مرتبط با وقایع حیاتی به طریق اولی... ارزش اسناد حقوقی را دارد و در مرتبه دوم از ارج منابع آماری برخوردارند» (همان)؛

وقایع حیاتی

وقایع حیاتی اصلی تولد است و مرگ. در واقع، هیچ واقعه‌ای در زندگی مهمتر از تولد و مرگ نیست. تولد آغاز و مرگ پایان حیات فیزیکی است. در حد فاصل این دو واقعه حیاتی اصلی البته کسانی که تا سن مقتضی زنده بمانند اکثراً ازدواج می‌کنند و زندگی زناشویی آنها بعضاً با طلاق متلاشی می‌شود. ولی این دو واقعه به لحاظ اهمیت در مرتبه دوم‌اند، زیرا برای کسانی که زنده متولد شده‌اند زندگی بدون وقوع ازدواج و طلاق هم میسر است. در هر صورت، بعضی این وقایع (زنده متولد شدن، ازدواج، طلاق و مرگ) را وقایع اربعه خوانده‌اند.

تعریف دقیق و روشن این وقایع بی‌تردید بسیار اهمیت دارد. آمارهای دقیق و معتبر از تعاریف دقیق و معتبر بیرون می‌آید. سازمان ملل (۱۹۵۵) برای مقاصد آماری تعاریفی از وقایع حیاتی ارائه داده و توصیه کرده است که این تعاریف مبنای جمع آوری اطلاعات راجع به آن وقایع قرار گیرد تا اطلاعات جمع آوری شده و آمارهایی که از این اطلاعات حاصل می‌شوند ارزش تطبیقی داشته باشند. وقایع مهم حیاتی و تعاریف پیشنهادی

سازمان ملل را برای آنها به اختصار در پایین می آوریم.

زنده متولد شدن

«زنده متولد شدن یعنی خارج شدن یا خارج شدن کامل محصول انعقاد نطفه از مادر، صرف نظر از طول دوره حاملگی، به صورتی که پس از این جدایی مولود تنفس کند یا نشانه دیگری از حیات بروز دهد» (شرایک و سیگل، ص ۷۵). از این تعریف پیداست که اضافه بر مولودی که زنده متولد می شود و سالها زندگی می کند، مولودی که پیش از ثبت ولادت و گرفتن شناسنامه می میرد، یک شبانه روز هم زندگی نمی کند، یا فقط لحظاتی نفس می کشد و می میرد در رده «زنده متولد شدن» محسوب می شود و طبق قوانین اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان گزارش و ثبت وقوع آن الزامی است.

مرگ

«مرگ عبارت است از ناپدید شدن همه شواهد حیات یا توقف بی بازگشت وظایف و کارکردهای حیاتی در هر زمانی پس از وقوع زنده متولد شدن» (شرایک و سیگل، ص ۷۶). در این تعریف دو نکته اساسی ملحوظ شده است: (۱) مرگ ادامه زندگی است و (۲) مبدأ زندگی زمان تولد است. مولود به عنوان مقدمه باید زنده به دنیا آمده باشد تا پس از تولد شواهد یا نشانه های حیات در او کلاً و بی بازگشت ناپدید شود. به تعبیر دیگر، مرگ قبل از تولد یا «مرگ جنینی» مشمول تعریف «مرگ» نمی شود.^۵

مرگ جنینی مرگی است که صرف نظر از طول دوره حاملگی، پیش یا پس از خارج شدن محصول انعقاد نطفه از مادر واقع شود. وقوع این مرگ از آنجا مشخص می شود که مولود (جنین) پس از این جدایی تنفس نمی کند یا هیچ نشانه ای دال بر وجود حیات... بروز نمی دهد» (شرایک و سیگل، ص ۷۶). از این تعریف پیداست که «مرگ جنینی» واقعه مستقلی است. این واقعه نه مشمول «مرگ» می شود و نه در مقوله «زنده متولد شدن» قرار می گیرد، از این رو، ثبت آن هم در مقوله ای مستقل از «زنده متولد شدن» و «مرگ» باید صورت بگیرد.

ازدواج و طلاق

ازدواج پیوند مشروع افراد دو جنس مخالف است. این پیوند ممکن است مشروعیتش را از قانون، مذهب، عرف یا منابع دیگری که در قوانین هر کشور به رسمیت شناخته شده است اتخاذ کند. «طلاق هم... انحلال نهایی و قانونی ازدواج است، یعنی جدایی شوهر و زن بر اساس یک حکم قضایی که حق شرعی و مدنی ازدواج مجدد را بر حسب قوانین هر کشور، به هر دو طرف اعطا کند» (همان منبع، همان صفحه). پیداست که این تعاریف، برخلاف تعاریف زنده متولد شدن و مرگ، از جامعیت کمتری برخوردارند. این شاید از آن رو باشد که ازدواج و طلاق وقایعی بسیار فرهنگی اند و تنوعات شدید فرهنگی ارائه تعریفی استاندارد و جهانشمول را برای آنها با سختی مواجه می‌کند. در هر حال، هر ازدواج یا طلاق که صورت گیرد، در کنار انگیزه‌های حقوقی، وقوع آن باید برای مقاصد آماری گزارش شود و به ثبت برسد.

ثبت رسمی این وقایع توسط افراد مرتبط با واقعه نزد مقامات رسمی، تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده و گزارش معمولاً سالیانه یافته‌ها یعنی آمارهای حیاتی برعهده ارگانهای رسمی مسئول است که یکی از دو پایه اصلی نظام آماری جمعیت - یعنی ثبت وقایع حیاتی - را در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان تشکیل می‌دهد.^۶

گزارش وقوع واقعه حیاتی

همان طور که گفته شد، منظور اصلی افراد مرتبط با واقعه از گزارش و به ثبت رساندن یک واقعه حیاتی تشکیل یک سند رسمی و قانونی دال بر وقوع آن واقعه است. از این رو، دفتر یا اداره ثبت کننده وقایع حیاتی هم باید رسمی و حکومتی باشد. حال فرض کنید واقعه‌ای حیاتی رخ داده است و این واقعه باید قانوناً گزارش شود. همچنین فرض کنید که اداره یا اداراتی هم برای ثبت وقایع حیاتی برپا شده است. چه کسی باید وقوع آن واقعه را به دفاتر یا ادارات رسمی گزارش کند و در ثبت آنها اهتمام ورزد؟

«در اغلب کشورها... والدین مسئول گزارش متولد شدن نوزاد زنده یا مرگ جنینی همراه با بعضی از اطلاعات شخصی اند، ولی پزشک یا مامای حاضر هم مسئول گزارش واقعه همراه با بعضی از اطلاعات پزشکی است. نزدیکترین کس مرده معمولاً مسئول

گزارش وقوع مرگ است، ولی پزشک حاضر هم ملزم است واقعه را همراه با تعیین علت آن گزارش کند. مقامات رسمی یا مذهبی عاقد ازدواج ملزم به گزارش آن در نیامی از کشورها هستند، در کشورهای دیگر عروس و داماد مسئول اند. گزارش طلاق در بعضی از کشورها جزو مسئولیتهای دادگاه است، در کشورهای دیگر یکی از طرفین یا هر دو مسئول این گزارش اند» (شرایک و سیگل، ص ۷۷).

حداکثر فرصت زمانی مجاز برای ثبت وقوع واقعه هم باید در قوانین معین شده باشد. «در ۶۵ کشور مورد مطالعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵، زمان مجاز برای گزارش وقوع ولادت از یک تا نود روز متغیر بود. این دوره برای مرگ کوتاهتر است. در مطالعه مزبور فقط هشت کشور بودند که تأخیر بیش از پنج روز را (برای گزارش وقوع مرگ) مجاز می‌داشتند.» همچنین قانون برای به ثبت رساندن یا تأخیر بیش از زمان مجاز در ثبت واقعه مجازاتیهای نقدی و غیرنقدی تعیین کرده است (همان).

در قوانینی که در الزام گزارش و ثبت وقایع حیاتی تصویب شده (یا می‌شود) یا در دستورالعملهایی که در این باره تهیه شده (یا می‌شود) افرادی که مسئول اند واقعه حیاتی را گزارش کنند و یا در ثبت آن اقدام نمایند و، همچنین، حداکثر زمان مجاز برای گزارش و ثبت وقوع واقعه باید دقیقاً مشخص شده باشد. اضافه بر آن این قوانین و دستورالعملها باید به اطلاع عموم برسد و سپس با دقت و جدیت فراوان به اجرا در آید. در غیر این صورت، حتی پس از گذشت چند دهه از برپایی یک نظام ثبت وقایع حیاتی در کشور ممکن است آمارهای سودمندی حاصل نشود.

پوشش ثبت وقایع حیاتی

پوشش ثبت وقایع حیاتی باید از چند نظر بالنسبه کامل باشد: ۱) از نظر تعداد وقوع واقعه و ۲) پوشش موضوعی واقعه. نقص پوشش، چه از نظر فراوانی و چه از نظر موضوعی، آمارهای حیاتی حاصله را ناقص و اغلب غیرقابل استناد و بلااستفاده می‌کند.

پوشش تعداد واقعه باید حتی‌المقدور کامل باشد تا آمارهای قابل استفاده‌ای از نظام ثبت وقایع حیاتی به دست آید. به تعبیر دیگر، مطلوبترین شکل این است که وقایع به صورت صد در صد ثبت شود، به همین دلیل است که بر اجباری بودن ثبت وقایع حیاتی

به شدت تأکید شده است. به تعبیر سازمان ملل (۱۹۵۵)، «اجبار یا الزام قانونی ثبت یک واقعه حیاتی باید به عنوان پیش نیاز اساسی تمامی نظامهای آمارهای حیاتی پذیرفته شود» (به نقل از شرایاک و سیگل، ص ۷۶). در واقع، اگر قوانینی نباشد که ثبت وقایع حیاتی را الزامی کند یا اگر قوانین موجود درست اجرا نشوند به بیان دیگر، اگر ثبت وقایع دلخواهی باشد پوشش وقایع حیاتی به لحاظ تعداد ناقص خواهد بود. در نتیجه آمارهای حیاتی حاصل از ثبت ناقص تعداد وقایع حیاتی هم غیر قابل استفاده و حتی گمراه کننده خواهد بود.

به موازات اقدامات قانونی و اجرایی و حتی تبلیغی برای تکمیل پوشش ثبت تعداد واقعه، پوشش موضوعی هر واقعه هم باید بالنسبه کامل باشد. یعنی اطلاعات مکفی راجع به وقوع هر واقعه حیاتی- فی المثل زنده متولد شدن-، ویژگیهای فرد در معرض واقعه، و افراد اصلی مرتبط با آن واقعه جمع آوری شود. این اطلاعات باید در فرمهای یکنواختی که بدین منظور برای ثبت هر یک از وقایع حیاتی تهیه شده یا می شود جمع آوری شود. اگر اطلاعاتی که درباره هر واقعه حیاتی جمع می شود مکفی نباشد، یعنی اگر پوشش موضوعی واقعه ناقص باشد و اگر این اطلاعات در فرمهای یکنواخت جمع نشود، تحلیل اطلاعات و تشکیل جداول آماری مفید هم با اشکال مواجه می شود.^۷

نقص پوشش و جستجوی جانین برای ثبت وقایع حیاتی یک نظام مطلوب ثبت وقایع حیاتی باید بتواند فراوانی دقیق وقوع وقایع را- زنده متولد شدن، مرگ، مرگ جنینی، ازدواج و طلاق- در هر ماه و در هر سال برای هر قلمرو جغرافیایی به دست دهد. با وجود این، کم نیستند کشورهایی که از این وضعیت مطلوب به دورند و ثبت وقایع حیاتی شان قادر نیست شاخصهای دقیق رشد جمعیت را به دست دهد و آمارهای زیربنایی لازم را برای حوزه های پزشکی، بهداشت، بیمه، جمعیت و نظایر آن فراهم کند. دلیل اصلی آن البته نقص پوشش است.

اگر ثبت وقایع- علی الخصوص از نظر تعداد- ناقص باشد، آمارهای حاصل از ثبت وقایع حیاتی غیر قابل اعتماد، غیر قابل استفاده و در صورت استفاده گمراه کننده خواهد بود. به تعبیر دیگر، پوشش ناقص ثبت وقایع سبب می شود که نظام آمارهای حیاتی به

عنوان منبع آماری، بلااستفاده و نظام آماری جمعیت لنگ شود. این وضعیتی است که در اکثر کشورهای جهان سوم وجود دارد.^۸ اغلب این کشورها هنوز موفق نشده‌اند که از نظام ثبت وقایع حیاتی‌شان آمارهای قابل استفاده‌ای به دست آورند. لذا نظام آماری جمعیت در این کشورها ناقص است و لنگ می‌زند.

از یک سو دسترسی به فراوانی وقوع وقایع حیاتی برای هر کشوری از اهم ضروریات است. از سوی دیگر، به لحاظ نقص پوشش، در اکثریت کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) این اطلاعات از نظام ثبت وقایع به دست نمی‌آمده و اکنون نیز در غالب این کشورها وضع بر همین منوال است. پس چاره چیست؟ در درازمدت البته چاره‌ای جز این نیست که این کشورها ثبت وقایعشان را، چه از نظر پوشش تعداد واقعه و چه پوشش موضوعی، تکمیل کنند.^۹ مع‌هذا، رسیدن به این مقصود (علی‌الخصوص در مورد مرگ جنینی، مرگ و شاید ازدواج و طلاق) به طول خواهد انجامید. در کوتاه مدت کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) اغلب کوشیده‌اند نیازهایشان را به آمارهای حیاتی با استفاده از آمارگیریهای نمونه‌ای و با توسل به سرشماری مرتفع کنند.^{۱۰} در درازمدت، البته جانشینی برای ثبت وقایع حیاتی وجود نخواهد داشت. جانشینهای کوتاه مدت ثبت وقایع حیاتی هم فاقد کارآیی لازم‌اند. «روش سرشماری ناموفق است زیرا روش همزمان سرشماری برای نمایش فرآیندی پیوسته نامناسب است. سرشماری در بهترین حالت می‌تواند داده‌های تولد و مرگ را فقط برای یک دوره تعریف شده محدود، شاید دوره ۱۲ ماهه قبل از سرشماری به دست دهد و یک دوره محدود مشاهده برای مطالعه آنچه ممکن است تغییرات بالنسبه سریع زمانی در باروری و مرگ و میر باشد ناکافی است» (لیندر، ص ۳۲۷). همچنین، تجارب متعدد (از جمله تجربه‌های سرشماری سال ۶۵ ایران) نشان داده است که آمارهای حیاتی حاصله از سرشماری برای این دوره محدود یکساله هم معمولاً فاقد دقت و کارآیی لازم است.

از آمارگیری نمونه‌ای، اگر به صورت پانل^{۱۱} اجرا شود، شاید نتایج بهتری به دست آید. با این وصف، باز هم اشکالاتی که به سرشماری وارد است تا حدود زیادی باقی می‌ماند. اشکالات ناشی از نمونه‌گیری، به جای پوشش کامل جمعیت، و قلت حجم نمونه در آمارگیریهای نمونه‌ای (علی‌الخصوص برای مطالعات مرگ و میر) نیز مزید بر علت

می‌شود.

سرشماری و آمارگیری نمونه‌ای معمولاً قادر نیستند آمارهای حیاتی لازم برای تأمین نیازهای اصلی تحقیقات جمعیتی، بهداشتی، پزشکی، بیمه و غیر آن را تأمین کنند و اتکای بیش از حد به این منابع برای دستیابی به آمارهای حیاتی درازمدت نامطلوب است.^{۱۲}

در درازمدت، «آمارهای حیاتی که توسط ثبت کشوری وقایع حیاتی گزارش می‌شود تنها منبع رضایتبخش محسوب می‌شود» (لیندر، همان) و کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) چاره‌ای جز این ندارند که در تکمیل ثبت وقایع حیاتی‌شان، چه به لحاظ پوشش تعداد واقعه و چه به لحاظ پوشش موضوعی، اهتمام ورزند.^{۱۳}

خلاصه

ثبت وقایع حیاتی یکی از دو مؤلفه اصلی نظام آماری جمعیت است. در جوامع وسیع و پیچیده، که روابط بین افراد در آنها رسمی‌تر از جوامع ایلی و روستایی است، مردم مجبورند که وقایع مهم زندگی‌شان، از جمله وقایع حیاتی، را به‌طور رسمی به ثبت رسانند. آمارهای حیاتی حاصل ثبت وقایع حیاتی (زنده متولد شدن، مرگ جنینی، ازدواج، طلاق، و مرگ) است؛ یک نظام ثبت وقایع حیاتی باید بتواند حداقل هر سال یک بار تعداد دقیق وقایع حیاتی را برای مناطق جغرافیایی عمده به دست دهد. مع‌هذا، به سبب نقص در پوشش تعداد واقعه و، همچنین، پوشش موضوعی ناقص واقعه، بعضی از کشورهای جهان تاکنون نتوانسته‌اند در برپایی یک نظام ثبت وقایع حیاتی کارآمد موفق باشند.

اگر نظام ثبت وقایع حیاتی فاقد کارایی باشد، نظام آماری جمعیت هم لنگ خواهد زد. در نتیجه جمعیت‌شناس هم به لحاظ اتکایش به آمارهای موجود جمعیت‌قادر نخواهد بود وظایفش را به‌درستی انجام دهد. بعضی از کشورها که دچار این کاستی‌اند سعی کرده‌اند به روش سرشماری یا با استفاده از آمارگیری نمونه‌ای به آمارهای حیاتی ضروری دسترسی پیدا کنند. با این همه، این کوششها مقطعی است. در حقیقت، در درازمدت جانشینی برای ثبت وقایع حیاتی وجود ندارد. بنابراین، چاره اصلی را باید در تکمیل پوشش ثبت وقایع حیاتی و همچنین در بسط پوشش موضوعی این وقایع جستجو کرد.

پانوشتها

۱. این مقاله پیش در آمدی است که به نیت همراهی با حرکت جدیدی نوشته شده که در اداره ثبت احوال در جهت تأمین آمارهای حیاتی آغاز شده است. جزئیات راجع به آمارهای موجود جمعیت و ارزیابی کیفیت این آمارها موضوع مطالعات و تحقیقات دیگری است.
۲. یا ارسال پستی فرمهای آمارگیری و جمع آوری اطلاعات از طریق پست است.
۳. در ایران، مرکز آمار مسئول اصلی تأمین آمارهای مجموعه اول است، حال آنکه مسئولیت تأمین آمارهای مجموعه دوم در اصل به عهده اداره ثبت احوال و وزارت کشور است.
۴. در گذشته ثبت وقایع حیاتی در ایران عمدتاً در پی تأمین کارکرد نخست- تأمین نیازهای حقوقی افراد بوده است. در چند ساله اخیر تحول پر برکتی در اداره ثبت احوال آغاز شده است که نوید بخش تأمین کارکرد دوم- تأمین نیازهای روزافزون جامعه به آمارهای حیاتی - است.
۵. زندگی، بنابر این تعریف، با تولد آغاز می شود. این تعبیر از آغاز زندگی در فرهنگ ما و همه فرهنگهای جهان غیر از حوزه فرهنگی چین پذیرفته شده است. در فرهنگ چین زندگی با بسته شدن نطفه آغاز می شود. اگر به جای تعبیر سازمان ملل از آغاز زندگی، تعبیر چینی ها را در این باره اتخاذ کنیم، آمارهای مرگ هم البته فرق خواهد کرد. فی المثل، مرگ جنینی هم مشمول تعریف «مرگ» می شود.
۶. استثنائات شامل کشورهای اسکاندیناوی است که نظام آماری جمعیت آنها «ثبت مداوم» است. در این باره نگاه کنید به امانی، بهنام، زنجانی، و معزی (۱۳۴۵، ص ۲۱-۲۰)
۷. خوشبختانه در یکی دو سال اخیر، به دنبال استفاده از فرمهای یکنواخت بالنسبه کامل، پوشش موضوعی «زنده متولد شدن» در کشور ما بالنسبه تکمیل شده است.
۸. صدور دفترچه های بسیج علی الظاهر باید به تکمیل ثبت ولادت در ایران کمک کرده باشد. این در حالی است که ثبت مرگ (و وقایع حیاتی دیگر) بسیار ناقص است و صدور دفترچه های بسیج نقص مزبور را در مورد مرگ تشدید کرده است.
۹. همان طور که پیش از این اشاره شد، در یکی دو سال اخیر پوشش موضوعی ولادت در ایران، به همت اداره ثبت احوال، بالنسبه تکمیل و استاندارد شده است.
۱۰. در ایران هم نظام ثبت وقایع حیاتی درست کار نمی کرده است. لذا برای تأمین نیازهای کشور به آمارهای حیاتی در فاصله بین سالهای ۵۰ تا ۵۵ دو آمارگیری نمونه ای انجام شد: یکی توسط دانشکده بهداشت دانشگاه تهران (با همکاری وزارت بهداشت) که نتایجش با عنوان میز انهای حیاتی ایران (نهایتیان و خزانه، ۱۳۵۶) منتشر شد و دیگری توسط مرکز آمار ایران که به اندازه گیری رشد جمعیت (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵) انجامید. اضافه بر آن، در سرشماری سال ۶۵ ایران هم سعی شده است، در کنار اطلاعات دیگر، فراوانی وقوع ولادت و مرگ در دوره ۱۲ ماهه قبل از سرشماری اندازه گیری شود.
۱۱. Panel! اجمالاً به گروهی اطلاق می شود که در زمان پیگیری شود و حداقل دوبار، با فاصله زمانی، نسبت به موضوع یا موضوعات ثابتی مشاهده شود.

۱۲. در اینجا صحبت از جمع‌آوری اطلاعات راجع به وقایع حیاتی است نه ویژگیهای فردی. سرشماری منبع اصلی آمارهای مربوط به ویژگیهای افراد جمعیت است و کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) موفق شده‌اند گامهای بلندی در این زمینه بردارند. برای مثال، ایران طی چهار سرشماری با جمع‌آوری اطلاعات راجع به ویژگیهای جغرافیایی، فردی و اقتصادی موفق شده است مجموعه عظیمی از اطلاعات راجع به حجم توزیع و ترکیب جمعیت تدارک ببیند.

۱۳. در واقع، سرمایه‌گذاری در ارتقای کیفیت آمارهای حیاتی، در درازمدت اثر بخشترین سرمایه‌گذاری در تأمین آمارهای زیربنایی ملی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی